

آهن، یگانه موتیف امروز شهر

گالری آرته این روزها آثار سروش کیایی عکاس و مدرس دانشگاه هنر را بر روی دیوارهای خود دارد. به همین مناسبت پیکسل به صورت اختصاصی چهارمین نمایشگاه افرادی این هنرمند را مورد بررسی قرار داده است.

آهن در عکس‌های کیایی عنصر محدود یک ساختار است که به دلیل وجود الگوهای متفاوت، می‌توان ترکیب‌هایی بی شمار و محدودی را از آن ساخت. قطعات آهنی در این تصاویر ساختمانی‌هایی نیمه‌کاره، کاملاً ایستا و خارج از خط زمانی را تشکیل داده است. ساختمان‌هایی که کارکرد آن‌ها به فرمی سخت و یکنواخت تقلیل یافته است. به همین علت می‌توان عکس‌های این نمایشگاه را تصاویر کاملاً ساختارگرایانه دید و آن‌ها را با دیدی ساختارگرا زیر ذره‌بین قرار داد.

در اینجا فرم آهن به مثابه عنصری است که در تقابل و هم‌نشینی با فرم‌های دیگر محتوای بصری اثر را می‌سازد. آهن در اینجا در واقع سازنده همان نظام زبانی سوسوری است که محتوای عکس را تشکیل می‌دهد. قطعات آهنی بر اساس ساختار معین مهندسی شده، که به مثابه ساختار دستوری زبان است، جمله‌های بصری، با معنایی تازه‌ای را ساخته‌اند. جمله‌ها در اینجا ساختمان‌هایی هستند که هیچ منطقی را در محتوای آن نباید جست‌وجو کرد، بلکه باید برای شناخت آن، کارکردش در بستری که به نمایش درآمده باید مورد بررسی قرار گیرد.

کارکرد عکس‌های برج آهن را می‌توان در دو مقوله‌ی کاملاً متفاوت جست‌وجو کرد. اولی کارکرد فرمی این عکس‌ها است. در این دیدگاه باید ساختمان‌ها را به مثابه فرم ناب یا به قول هانسلیک موسیقی ناب در نظر گرفت. بنابراین در این کارکرد فرم‌های آهنی مانند عناصری می‌مانند که با هم‌نشینی و تشکیل یک ساختار، معنا را می‌سازند. به عبارتی دیگر این‌جا نحوه اتصال قطعات ساختمانی و کنار هم قرار گرفتن آن‌ها به مثابه نت‌هایی است که یک پارتیتور موسیقی را می‌سازد. که در موسیقی نمی‌توانیم به طور معمول در پی دلالت‌ها برآیم و نت‌ها به تنهایی، جدا از بستر و ساختاری که در آن به نمایش در می‌آیند فاقد معنا هستند، قطعات آهنی نیز تولیدکننده محتوایی نیستند. و این جاست که در هر دو زمینه عکس‌های کیایی (که می‌توان آن‌ها را صرفاً اشکالی فرم‌گرا و انتزاعی دانست) و موسیقی، معنای به ظاهر بیان نشدنی، در سطح روابط میان نشانه‌ها و مناسب درونی میان کدها خود را نمایان می‌کند. ساختمان کلی ساختمان مثل یک قطعه موسیقی، با کنار هم قرار گرفتن واژه‌های سازنده یک کل معنادار را می‌سازند.

کارکرد دوم این عکس‌ها را می‌توان در رابطه خود ساختمان‌های نیمه‌کاره با فضای شهری و ارتباط این حجم‌های بزرگ فلزی با بستر اجتماعی تهران دانست. کارکردی که به بیانیه نمایشگاه نزدیک‌تر است. در این رویکرد گفتمانی کاملاً مستقل از کارکرد اول مطرح است و عکس‌ها بیانگر قدرت طبقه بالای اجتماعی در راستای تغییر هویت بصری شهر است.

کارکرد موضوعی عکس‌های کیایی هر رویکردی که داشته باشد، از انسجام ساختاری خوبی برخوردار نیستند. اگر ساختمان‌ها و سازه‌های فلزی بیشتری مورد مطالعه قرار می‌گرفت با مجموعه عکس منسجم‌تری هم از نظر رویکرد درون‌متنی عکاسانه و هم از لحاظ کارکرد برون‌متنی اجتماعی طرف بودیم. ولی در این نمایشگاه تنها از دو یا سه سازه و از زوایای مختلف عکاسی شده و خود این چند ساختمان موضوعیت پیدا کرده و برداشت‌های دیگر از عکس‌ها را به حاشیه

رانده است. البته با بررسی نمایشگاه‌های قبلی‌ای که آقای کیایی برگزار کرده‌اند، می‌توان پی‌برد که در کارهای او مسائل تکنیکی عکاسی در مقابله با فرم و ارجاعات برون‌متنی در اولویت قرار دارد ولی می‌شد با بررسی و مطالعه بیشتر سازه‌های شهری تهران، مجموعه‌ای غنی و با ساختار منسجم‌تری را خلق کرد.